

دربارهٔ اجلاس بزرگداشت ابوالوفا بوزجانی

(۴-۵ آذر ۱۳۷۸، تربت جام)

حسن فقیه عبداللهی

در سال‌های اخیر، به مناسبت‌های مختلف، شاهد تشکیل گردهمایی‌ها و بزرگداشت‌هایی بودیم که بسیاری، مع‌الأسف، خالی از وجاهت علمی درخور و متانت فرهنگی لازم بود. در این گفتار بنای آن نداریم تا به نقد در این باره بپردازیم، زیرا خود مجالی و فرصتی فراخ می‌طلبید؛ ولی قدر مسلم از این موضوع نباید غافل ماند که هدف از برپاداشتن این‌گونه مجامع علمی، علی‌الاصول، بیان عقاید و نظریات مبتنی بر پژوهش‌های اصیل، عمیق و بدیع باید باشد و بالطبع شنوندگان در وهلهٔ نخست با نیت بهره‌مند شدن از محتویات خطابه‌ها (که، مفروضاً، به دلیل گذشتن از مراحل مختلف بررسی و داوری و حکم و اصلاح لازم، و قطعاً، از بین مقالات عدید دست‌چین و گزینش می‌شوند) در این مجالس حضور می‌یابند و واضح است که به صرف

خوب پذیرایی شدن و مراعات نکات فرعی و مسائل جنبی و کاملاً حاشیه‌ای در آنها شرکت نمی‌کنند و البته این موارد، اسباب اقناع و ارضای آنان را هم (به جز برخی که تقریباً، و بل تحقیقاً، در اغلب گردهم‌آیی‌ها اعم از درون‌مرزی و برون‌مرزی حاضر می‌شوند) فراهم نخواهد آورد.

براستی اگر فایده‌تی بر برگزاری همایشی مترتب نباشد و در اختتام آن، همان احساسی دست دهد که در افتتاح و پیش از ایراد خطابه‌ها و یا، بدتر از همه، در سطحی از کار باشد که مستمعان ناچار به تحمل سخنرانی‌ها باشند، آیا نباید از خود پرسید که پس هدف از آن همه هزینه کردن چه بوده است؟! از اینجا و آنجا شنیده می‌شود که اصلاً شأن نزول برخی همایش‌ها از این قرار است که تعدادی افراد - ولو موضوع مجامع در تخصصشان نباشد - از خارج و داخل دعوت شوند و آنان نیز به سهم خود و برای پاس‌داشت دعوت‌شدنشان، همتایان خود را به همایش‌های مشابه فراخوانند و بدین ترتیب اصل موضوع فراموش می‌شود و در جایی که باید بویژه دانش‌پژوهان جوان را با پژوهش‌های اصیل، روشمند و نوین - وابسته به موضوع همایش‌ها - آشنا ساخت، متأسفانه با ارائه مطالبی کم‌مایه، این را - به عنوان یک باور و یقین - به پژوهندگان جوان القا کرد که در حقیقت ما هستیم که با سرسری گرفتن مسائل جدی، و اصلاً جدی نگرفتن خود، به مدعوان خارجی می‌باوریم که شما نیز ما را به حساب نیاورید! و اگر قرار است برای ایراد خطابه‌ای علمی در فلان اجلاس به ایران بیایید، چندان مقید نباشید تا پژوهشی بدیع را با خود به ارمغان بیاورید و حتی اشکالی هم ندارد که «مقاله خود را بالبداهه در هواپیما و در مدت زمان سفر از فلان کشور به ایران به تحریر آورید»!! بنابراین آنقدرها هم دور از ذهن نباید باشد آنگاه که از فلان

مدعوّ فرنگی پرسیده می شود کنگره...، از نظر وی در چه سطحی و کیفیتی است؟ در پاسخ بگوید که «البته کیفیت پذیرایی در سطح بسیار بالایی بود!» و سپس به وصف گونه گونی غذاهای بومی ایرانی، در هتل محل اقامت خود پردازد و قس علی ذلک. یا آن دیگری که اذعان می کند تخصصی در موضوع مورد بحث فلان همایش نداشت - و مع الوصف دعوت شد! - و آنگاه تأکید می نماید که به ایران آمده تا صرفاً درباره عالیمی که همایش به نامش برگزار شده، اطلاعاتی کسب کند و تازه دریابد که این عالم جلیل که بوده است!! و

اکنون که به مناسبت های مختلف، بازار همایش ها، گردهم آیی ها و اجلاس ها و از این قبیل مجامع داغ است، بر متولیان آنها است تا ابتدا غث و سمین را از یکدیگر باز شناسند و سپس از هر اهل علمی، متناسب با موضوع مورد بحث دعوت به عمل آورند.

اجلاس بین المللی بزرگداشت ابوالوفا بوزجانی، ریاضی دان بزرگ قرن چهارم هجری قمری که در روزهای پنج شنبه و جمعه چهارم و پنجم آذر ۱۳۷۸ در شهرستان تربت جام برگزار شد، خود حدیث دیگری است.



در پی آگهی شماره ۱ و بدون سروصدای مندرج در خبرنامه انجمن ریاضی ایران (س ۲۱، ش ۲، شهریور ۱۳۷۸، ص ۱۵) دوستان تاریخ علم اطلاع یافتند که اجلاس یک روزه (و بعدها دوروزه) بزرگداشت ابوالوفا بوزجانی در ۱۵ آذر ۱۳۷۸ در شهرستان تربت جام آنهم به همت مرکز مطالعات فرهنگی - بین المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی،

کمیسیون ملی یونسکو در ایران و مشارکت استانداری خراسان و فرمانداری تربت جام برگزار می‌شود. در این اعلان همچنین از پژوهشگران بوزجانی‌شناس خواسته شده بود تا نسخه‌ای از مقاله خود را به دبیرخانه اجلاس ارسال کنند و معلوم نشد که به چه دلیلی از انتشار آگهی دوم صرف نظر کردند و ترجیح دادند که به قول آقای محسن حیدرنیا (مسئول گروه تاریخ علم مرکز مطالعات فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و عضو کمیته علمی کنفرانس) «فراخوان عمومی مقاله نداشته باشند!» و در عوض از بوزجانی‌شناسان خارجی و داخلی شخصاً دعوت به عمل آورند!

این اجلاس زیر نظر ستادی مرکب از انجمن آمار ایران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، انجمن ریاضی ایران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ستاد بزرگداشت سال جهانی ریاضیات، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، نماینده مردم شهرستان تربت جام در مجلس شورای اسلامی و فرماندار این شهرستان تشکیل شد.

رئیس ستاد دکتر محسن خلیجی بود؛ این ستاد دو کمیته علمی و اجرایی را در تهران تعیین نمود و ستادی اجرایی نیز در استان خراسان.

اعضای کمیته علمی در تهران، آقایان دکتر محسن خلیجی، دکتر مهدی محقق، دکتر مهدی بهزاد، محمدعلی شعاعی، فرید قاسملو و محسن حیدرنیا، و اعضای کمیته اجرایی در تهران آقایان مهندس محمدعلی سادات، مهندس مرتضی صادقی (فرماندار تربت جام)، دکتر محمد حسینی و محسن حیدرنیا بودند. کمیته اجرایی محلی (مستقر در استان خراسان) نیز از استاندار خراسان، معاون سیاسی و اجتماعی

استانداری خراسان، فرماندار تربت جام، مدیرکل ارشاد اسلامی استان خراسان، رئیس سازمان صدا و سیما، مرکز مشهد، رئیس دانشگاه فردوسی این شهر و نماینده سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در مشهد تشکیل شده بود.

بیش از ۵۰ نفر (اعم از سخنران و مستمع) دعوت شده بودند. هزینه بلیت هواپیما، محل اقامت و غذا بر عهده برگزارکنندگان اجلاس و بخصوص مردم خونگرم و فرمانداری تربت جام بود و به طوری که گزارش دادند مردم باصفای این شهر، مقدار زیادی از هزینه‌ها را (با وجود بضاعت اندک) خود تأمین کرده بودند.

هواپیمای حامل متخصصان بوزجانی‌شناس، حوالی ساعت ۱۰ صبح در فرودگاه شهر مشهد مقدس بر زمین نشست و در آنجا از جمله استقبال‌کنندگان، نماینده محترم مردم تربت جام در مجلس شورای اسلامی، فرماندار محترم این شهر و نماینده سیاسی استاندار خراسان بودند. سه اتوبوس، مدعوان را از مشهد مقدس به تربت جام منتقل می‌نمود و ساعت ورود پژوهندگان به این شهر ساعت ۱۳ ظهر بود و در بادی ورودمان، به گرمی با استقبال اهالی و ائمه جمعه و جماعات آنجا روبه‌رو شدیم؛ به طوری که با ذبح چندین گوسفند و برپایی مراسم رقص‌های محلی (کاشت و برداشت) برگرمی استقبال از میهمانان افزودند.

پس از آشنایی با محل اقامت (ساختمان سپید)، صرف ناهار، اقامه نماز و اندکی استراحت، در ساعت ۱۵،۴۰ در محل سخنرانی - واقع در کتابخانه عمومی شهرستان تربت جام - حاضر شدیم. سپس برنامه‌ها بدین ترتیب شروع شد و ادامه یافت:

سخنرانی‌های نخستین روز اجلاس، پنج‌شنبه مورخ ۷۸/۹/۴

ساعت ۱۵،۴۵: تلاوت آیاتی از قرآن کریم.

ساعت ۱۶: دکتر خلیجی گزارشی از روند کار کمیته برگزارکننده اجلاس ارائه کرد. سپس پیام آیت‌الله تسخیری، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، را قرائت نمود.

ساعت ۱۶،۰۷: دکتر احمد جلالی (نماینده دایم کمیسیون ملی یونسکو ایران در پاریس) به بیان کلیاتی پرداخت و پیام کیوشیرو ماتسورا، مدیرکل جدید یونسکو را (که در حقیقت نخستین پیام وی پس از انتصابش بود) قرائت کرد. دکتر جلالی اذعان داشت موضوع برگزاری مراسم بزرگداشت بوزجانی، در بیست و نهمین اجلاس عمومی یونسکو در مهر ۱۳۷۶ / اکتبر ۱۹۹۷ تصویب شده بود. موجب تعجب است که علی‌رغم گزارش ایشان، نخستین اعلان آن تازه در شهریور ۱۳۷۸ در خبرنامه انجمن ریاضی - و به صورت نیم-بند - چاپ شد! در حالی که اگر در فاصله بین تصویب موضوع تا برگزاری اجلاس، برنامه‌ریزی دقیقی صورت می‌گرفت اجلاس حاضر جایگاه مناسب خود را می‌یافت.

ساعت ۱۶،۲۵: آقای محسن حیدرنیا، گزارشی از برنامه اجلاس ارائه نمود.

ساعت ۱۶،۴۰: دکتر مهدی محقق خطابه خود را با عنوان «مروری بر تاریخ ریاضیات سده چهارم هجری قمری» ایراد کرد. اهم مطالب مطروح در سخنرانی این بود که مسلمانان به مصداق «اطلبوا العلم ولو بالصین»، در علم‌آموزی را بر خود نمی‌بستند

و علوم را از هر زبانی و هر مکانی اخذ می‌کردند ... همچنین طرح تشکیل دانشگاه، حتی قبل از اروپاییان، در میان مسلمین پدید آمد ... در خراسان بزرگ نیز دانش‌ها راه تکامل خود را به خوبی طی کرد و منجمان و ریاضی‌دانانی نظیر ابومعشر بلخی، بوزجانی و ... به وجود آمدند. وی همچنین با استناد و استشهاد به برخی اقوال معروف، در اهمیت علم هندسه و فراگیری آن سخن راند.

ساعت ۱۷،۳۵: دکتر آپای اوزدورال، از کشور ترکیه، سخنرانی خود را با عنوان «تحلیلی بر کتاب اعمال هندسی ابوالوفای بوزجانی» قرائت نمود. خطابهٔ او، حاوی موضوعات فنی مفیدی بود؛ اما بهتر از آن، کار مهندس ماشاءالله علی - احیایی بود که با ترجمهٔ همزمان دقیق و رسای خود، مطالب ارزشمندتری را نیز بر آن افزود. محور اصلی سخن دکتر اوزدورال، بیان اهمیت کتاب النجارة ابوالوفا و بخصوص توجه به این مطلب بود که ابوالوفا از جمله معدود مهندسانی بوده که علم و عمل را توأم ساخته است و به‌طور مرتب با صنعتگران مختلف جلساتی برپا می‌داشته و روش‌های آنان را نقد می‌کرده است و در نتیجهٔ این نشست‌ها بود که بوزجانی «کتاب هندسهٔ عملی» خود را برای استفادهٔ صنعتگران نوشته است.

وی در بحثی مفصل، به روش‌های ابتکاری ابوالوفا در تبدیل یک مربع به سه مربع و به‌عکس، و نحوهٔ پیاده‌کردن این طرح‌ها بر دیواره‌های بناها و ساختمان‌ها پرداخت. همچنین

ایجاد یک مربع از پنج مربع و تبدیل آن به نه مربع و ... مورد بحث فنی قرار گرفت. آقای اوزدورال معتقد است بر اثر همین تقسیم‌بندی‌های دقیق و حساب‌شده بود که معماری دوره اسلامی، حائز اهمیت فراوان شده و در نتیجه آن، ابداعات چشمگیری در عرصه معماری اسلامی به وجود آمده است.

ساعت ۱۸،۳۰: آقای پرویز شهریاری به ایراد سخن در باب «ریاضیات ایرانی، یک دوره کامل از تاریخ ریاضیات را تشکیل می‌دهد» پرداخت. ایشان مطالبی دال بر وجود مراکز تعلیم پزشکی، ریاضی، هندسه و نجوم در ایران قبل از اسلام بیان کرد که اگر برای اثبات آن موضوعات، سندی قابل قبول ارائه نماید لاجرم انقلابی در تاریخ علم رخ خواهد داد. گفتنی است که این سخنان را بکرات در جوامع مختلف شنیده‌ایم و می‌شنویم و دریغ از یک مأخذ دست اول! تقسیم‌بندی وی از دوره‌های مختلف ریاضیات نظری و کاربردی (در طول تاریخ) نیز محل تأمل و مطلبی است نیازمند اسناد و مدارک تاریخی ...

ساعت ۱۸،۵۰: دکتر جعفر آقایانی چاوشی، از کشور فرانسه، سخن خود را با عنوان «روش ابتکاری ابوالوفای بوزجانی در ساختن آینه‌های سوزان» ایراد کرد. این دومین مقاله‌ای بود که با موضوع اجلاس، همخوان و حاوی نکات فنی دقیقی از کتاب التجاره بوزجانی بود. وی ابتدا به اختصار درباره پیشینه «آینه‌های سوزان» سخن گفت، آنگاه به شرح مختصری در باب آثار دانشمندان دوره اسلامی که در این موضوع کار کرده‌اند

پرداخت و، از جمله، توضیحاتی درباره رساله آینه‌های سوزان، اثر ابویعقوب کندی و رسائلی در همین خصوص از ابوسعید علاء ابن سهل و ابن هبثم ارائه نمود. سپس شرح تفصیلی روش ابوالوفا بوزجانی را در تهیه الگوهای هندسی این‌گونه آینه‌ها بیان داشت. دکتر آقایانی جاوشی به این نکته مهم از کار ابوالوفا توجه داد که دانشمند نامی قرن چهارم هجری قمری، دستور ساختن این آینه‌ها را با دقت بسیار زیادی برای صنعتگران در کتاب خود بازگفته است.

ساعت ۱۹،۱۵: دکتر نصرت‌الله سعیدی با عنوان «اوضاع و احوال علمی، فرهنگی و سیاسی خراسان و بغداد در سده چهارم هجری قمری» سخن گفت. مقاله وی از زمره مقالات دیگری بود که مطلب تازه‌ای نداشت و اصولاً اقتباس‌هایی ناقص، مکرر و نامرتب از منابعی نظیر حدود العالم، مسالک و الممالک، احسن التقاسیم، آدام متز، بارتولد و مالک و زارع لمبتون بود که به هیچ‌عنوانی نمی‌شد کم‌ترین نسبتی بین آن و موضوع اجلاس یافت!!

از اشتباهات فاحش وی - و قطعاً به دلیل بی‌اطلاعی - این بود که مجسطی بوزجانی را متنی مُلهم و مقتبس از مجسطی بطلمیوس می‌پنداشت؛ در حالی که متن بوزجانی مستقل از رساله بطلمیوس است.

ساعت ۱۹،۴۰: آقای شاپور بُنکدار، ششمین سخنران و در حقیقت آخرین خطیب این روز بود و مطلبی با عنوان «مروری بر زندگینامه

ابوالوفای بوزجانی» قرائت کرد. نوشته وی انشایی برگرفته از منابع دست چهارم - پنجم می‌نمود که بسیار ضعیف تدوین شده بود و آن‌طور که به نظر می‌رسید، مطلب او رونویسی مغشوشی از بوزجانی‌نامه استاد ابوالقاسم قربانی بوده باشد! وی حتی در قرائت جای‌جای نوشته خود عاجز بود. در تلفظ بسیاری از اسامی خاص، شامل نام‌های افراد و عناوین منابع عربی و فارسی، خطاهای فاحش داشت و بخصوص در حین قرائت نام‌های عربی و واژه‌های تخصصی برخی رساله‌های بوزجانی، چنان ضعیفی از خود نشان داد که با یادداشت‌های بعضی از اهل علم حاضر، رئیس جلسه، ایشان را به پایان وقتشان آگاهانید...!!

ساعت ۲۰،۳۰: صرف شام.

سخنرانی‌های دومین روز اجلاس، جمعه مورخ ۱۳۷۸/۹/۵

ساعت ۸،۴۰: تلاوت آیاتی از قرآن کریم.

ساعت ۸،۵۰: دکتر لقمان بایمیت‌آف، از کشور تاجیکستان، مقاله خود را با عنوان «معرفی بهترین تألیفات و تحقیقات دانشمندان شوروی پیرامون آثار ابوالوفای بوزجانی» ایراد کرد. مقاله او ضعیف و از هر مطلب تازه‌ای تهی بود. وی با اشاره اجمالی به کارهای برخی دانشمندان روس نظیر مدوی، کراسنوا، خورشیدجان (عبدالله)، یوشکویچ و روزنفلد و برشمردن تحقیقات آنها بخصوص درباره برخی آثار خجندی، ابونصر عراق، بیرونی و

بوزجانی و ...، به ضعف ایرانیان در نگارش تاریخ ریاضیات نیز توجه داد و پیشنهاد کرد که محققان ایرانی و تاجیکی کارهای مشترکی را در این باره آغاز کنند! از سخنان او چنین به دست آمد که نه تنها ورودی در تاریخ ریاضیات، بلکه کم‌ترین شناختی هم نسبت به کارهای مورخان ریاضی ایرانی (با وجود اندک‌شمار بودنشان) ندارد و جز ارائهٔ چند پیشنهاد همکاری مشترک، مطلب تازه‌ای را نمی‌شد از نوشتهٔ وی دریافت.

ساعت ۹،۱۰: دکتر سعید بنی‌هاشمی با عنوان «پیوند ریاضیات امروز با آثار ریاضی ابوالوفای بوزجانی» سخن گفت. این مقاله نیز از آن دسته مقالاتی بود که در آن بین عنوان و معنوی سازگاری وجود نداشت. ایشان نموداری را در دستگاه مختصات قائم‌ترسیم کرده و در آن به ضمیمه نام و آثار برخی دانشمندان قرن‌های ۳ تا ۶ هـ ق پرداخته بود (البته اذعان می‌داشت این نمودار را براساس احصای ۶۰۰۰ نسخهٔ خطی ریاضی، فراهم آورده است و دریغ‌انگیز است که حتی به یکی از آنها در مقاله اشاره‌ای نشده بود!). در نمودار وی، سیر نزول و صعود دانش در سه قرن اوج پیشرفت دانش ریاضی نشان داده شده بود. او همچنین به روش‌های ابتکاری و کاربردی ابوالوفا در کتاب «حساب عملی» اش و مبحث تبدیل یک مربع به چهار مربع و یافتن مساحت مربع‌ها و ... اشاره نمود. تعجب ما در این است که سخنران محترم، در چهار اجلاس ملی و بین‌المللی (سه اجلاس تاریخ ریاضیات که در سه سال اخیر در دانشگاه هرمزگان برگزار شده است و

اجلاس حاضر) با ارائه این نمودار، بدون آنکه در هر اجلاس مطلب تازه‌ای بر آن بیافزاید و کوچک‌ترین پشتوانه علمی-تحقیقی داشته باشد، همان مطالب تکراری را بیان می‌دازد و همواره نوید می‌دهد که این طرح سترگ پژوهشی (!) در شرف تکمیل است و بزودی آن را به صورت مجلد یا مجلداتی به بازار تاریخ علم عرضه خواهد داشت.

در اینجا برای نگارنده همچنان این سؤال باقی می‌ماند که مگر کمیته محترم علمی اجلاس، مقاله‌ها را از قبل بررسی نکرده بود. و جای بسی تأسف است از امثال این سخنران که اصولاً با روش تحقیق درست بیگانه‌اند و با علوم دوره اسلامی نیز بیگانه‌تر، به عنوان سخنران اصلی دعوت به عمل می‌آید بدون آنکه لااقل مقاله‌اش را از قبل، حتی برای یک‌بار هم که شده است، بخوانند.

آیا جز این است که صرفاً خواسته‌ایم نمایش دهیم که فلان همایش را برگزار کردیم و سرخوش باشیم که تعدادی سخنران را هم دعوت نمودیم تا هرچه دل تنگ اغلبشان می‌خواهد، از رطب و یابس بگویند؟

آیا آن سخنران محترمی که هنوز سخنانش خاتمه نیافته است و بی‌درنگ به دنبال گواهی شرکت در همایش و اخذ آن برای کسب مرتبه و ارتقای دانشگاهی دوان می‌شود، ذره‌ای به حال و روز آسف بار دانش کشورمان می‌اندیشد؟! اگر واقعاً قحط‌الرجال است - که نیست - در این صورت بسی اولی

است که دست‌کم هزینه این‌گونه مجامع را صرف توسعه فرهنگی شهرستان‌های محل تشکیل همایش‌ها کنیم؟ ساعت ۹،۳۰: آقای فرید قاسملو با عنوان «مروری بر آثار بوزجانی» سخن راند. مطالبی که صرفاً مأخوذ از ابن ندیم، ابن خلکان، فارمر، سوتر و کارادووو و برخی فهارس کتابخانه‌ها بود و خالی از هرگونه موضوع تحقیقی نوین!

قسمت اعظم انشای وی، در حقیقت، مجموعه‌ای به هم‌بافته از برگه‌های یادداشت (برگرفته از فهرست‌های نُسخ خطی) بود و او تنها آنها را قرائت می‌کرد!! پرواضح است که این‌گونه مطالب، اگر هم مفید باشد، علی‌الاصول در «مجموعه مقاله‌های اجلاس» باید به چاپ رسد و در قالب یک خطابه نمی‌گنجد. زیرا فرض بر این است که حاضران در مجلس، در انتظار شنیدن سخنانی جدی‌اند؛ نه استماع مطالب خشکی که صرفاً مشتمل بر شناسنامه فلان و بهمان نسخه خطی است! ارائه چنین مطالبی - به صورت سخنرانی - در بسیاری از مجامع علمی اخیر به شدت شایع شده است.

خطیب محترم، بدون اقامه دلیل و ذکر مأخذ، به جعلی بودن موضوع انتساب کتاب الحیل به فارابی پرداخت و گویی که این مطلب را برای نخستین بار یافته و ارائه کرده است! وی معتقد بود که رساله یادشده و کتاب النجارة بوزجانی، دو متن از نسخه‌ای واحد است و کاتب کتاب الحیل، تنها با تغییر نام آن خواسته است تا این اثر را به فارابی منسوب سازد و

به خوبی می‌دانیم که از این‌گونه موارد در طول تاریخ بکرات اتفاق افتاده است. به هر تقدیر، آقای قاسملو در اثر هیجاناناشی از فضای اجلاس، مأخذ مطلب منقول را از یاد برده و آن را از قلم انداخته بود، لذا نگارنده بر خود فرض دانست تا در اینجا و برای اطلاع آن دسته از مستمعان حاضر در اجلاس که یقیناً در این باره با این جانب هم عقیده‌اند، منبع و مرجع مطلب سخنان محترم را به دست دهد و متذکر شود که شرح تفصیلی و اثبات منطقی این موضوع مهم را، یعنی یکسان و واحد بودن نسخ نام برده، اول بار دکتر جعفر آقایانی چاوشی بیان کرده است (← آقایانی چاوشی، جعفر، «پژوهشی در کتاب اعمال هندسی ابوالوفای بوزجانی»، مجله معارف، دوره ۱۱، شماره ۳، آذر-اسفند ۱۳۷۳، صص ۶۵-۷۶).

ساعت ۹:۵۰: پذیرایی. نحوه پذیرایی در انشای اجلاس، بسا بهتر از ارائه مقاله‌های اغلب پژوهشگران تاریخ علم (!) بود. راستی چگونه است که در طول کم‌تر از چهار ماه از زمان اعلام برگزاری اجلاس بزرگداشت بوزجانی، این همه بوزجانی‌شناس سر برآورده‌اند! به قرار اطلاع، بسیاری که با اهل و عیال و به هزینه اجلاس آمده بودند، برای اینکه توجیه مناسبی بابت حضور خانواده‌های محترمشان داشته باشند، نام‌های آنان را نیز در زمره «پژوهشگر تاریخ علم (!)» ثبت کرده بودند؛ گواه این مطلب، فهرست اسامی و عناوین شرکت‌کنندگان است که ستاد اجلاس منتشر کرده است.

ساعت ۱۰،۰۵: مهندس یونس کرامتی، مطلب خود را با عنوان «معرفی بوزجانی‌نامهٔ استاد ابوالقاسم قربانی» قرائت کرد. اسف‌بار بود که او کتاب چاپ‌شدهٔ استاد قربانی (بوزجانی‌نامه: ۱۳۷۱ش، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی) را باز نموده و ابواب آن را برای حاضران قرائت می‌کرد! تازه اولیای محترم اجلاس از سِرِ لطف و احسان به هر یک از مدعوان، نسخه‌ای از کتاب را هدیه کرده بودند و این تأسف آنجا به کمال خود رسیده بود که نسخهٔ آن در دست هر یک از حاضران بوده باشد و آنان - به سانِ نوآموزانی - منتظر قرائتِ ابوابِ اثر و روخوانیِ کتاب باشند!

وی ضمن معرفی آن اثر، شرح حال استاد قربانی را نیز چاشنی خطابهٔ خود کرد و پیام استاد را خطاب به حاضران اجلاس خواند. شعر دلپذیر استاد قربانی را هم که در سوک استاد فقید دکتر محسن هشترودی سروده بود (در وصف معلم) قرائت نمود و همه را متأثر ساخت. قاری محترم شرح حال استاد قربانی، در ضمن، خبر از نابینا شدن استاد می‌داد که از همه دلخراش‌تر و تأثرانگیزتر می‌نمود ...

پس از اینکه شرح حال استاد قرائت شد، در غیاب ایشان مراسم بزرگداشتی برگزار گردید و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، لوح تقدیر و جایزهٔ ویژه‌ای برای استاد در نظر گرفته بود که قرار شد در تهران به ایشان تقدیم شود.

ساعت ۱۰،۴۰: بر اساس برنامهٔ سخنرانی‌ها قرار بود، در این ساعت، خانم مرگان نظامی مطلبی را با عنوان «جغرافیای تاریخی بوزجان»

قرائت کند. ولی به دلیل غیبت، به مهندس حسین معصومی همدانی فرصت داده شد تا به ایراد سخن در باب «جایگاه بوزجانی در ریاضیات» بپردازد. وی در ابتدا مراتب سپاس و پوزش استاد خود دکتر رشدی راشد را به خاطر عدم حضورش در اجلاس، به حاضران تقدیم کرد.^۱ آنگاه به موضوع سخن خود پرداخت. البته با اینکه سخنرانی وی تا حدی از پیش تعیین نشده بود، مع الوصف در زمره خطابه‌های خوب اجلاس بود. او با طرح این سؤال که چرا بوزجانی علی‌رغم برخورداری از نعمت آسمان پرستاره کویری تربت جام، در عنفوان جوانی به بغداد رفته و در آنجا رحل اقامت افکنده است، اضافه کرد با توجه به اینکه بغداد در قرن ۴ هـ ق دیگر یگانه مرکز علمی نبوده و مراکزی چون «ری» نیز سر برافراشته بودند که با مرکز علمی بغداد برابری می‌کرده است، این سؤال

۱. دکتر رشدی راشد، به سخنران «امر فرموده بود!» تا از حاضران - به دلیل شرکتش در اجلاسی دیگر و حاضر نشدن در اجلاس حاضر - عذرخواهی کند! مهندس معصومی همدانی نیز امتثال کرد.

دکتر راشد که، بویژه، در مجامع علمی ایران از شهرتی برخوردار است، اصرار و اشتیاق زاید الوصفی در «عرب» جلوه دادن دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی دوره اسلامی دارد. من باب مثال در اجلاس «عمر خیام و جامی» که در هشتم و نهم اردیبهشت ۱۳۷۸ در دانشگاه مارک بلوک استراسبورگ فرانسه، با شرکت پژوهشگرانی از اروپا، لبنان، تونس، مغرب، افغانستان و ایران (نمایندگانی از دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، آزاد اسلامی، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی و فرهنگستان زبان و ادب فارسی) تشکیل شده بود، در حین ایراد سخن به زبان فرانسوی، نام خیام را با «الف» و «لام» (به صورت «الخیام») قرائت و تکرار می‌کرد، تا جایی که مورد اعتراض یکی از پژوهشگران فرانسوی و یک استاد ایرانی مقیم فرانسه قرار گرفت. اما وی نه تنها توجهی به اعتراض‌ها نمی‌کرد بلکه همچنان این دانشمند ایرانی را «الخیام» می‌نامید و اصرار بر عرب بودن او داشت! (← نامه پاریس، س ۴، ش ۱، صص ۸۸-۸۹).

و تعجب برای ما باقی می ماند... سپس به بیان دقیقی از کتاب های حساب و هندسه ابوالوفا پرداخت. سخنرانی وی به دلیل ضیق وقت ابرتر ماند.

ساعت ۱۰،۵۰: آقای محمدرضا نوروزی سخنرانی خود را با عنوان «معرفی اثری ناشناخته از ابوالوفای بوزجانی» ایراد کرد. گویا اعضای محترم کمیته علمی اجلاس هم به مانند سخنران محترم، از این مطلب آگاهی نداشته اند که اثر مورد نظر سخنران، یعنی رساله ۱۳ صفحه ای فی الجمع اضلاع المربعات و المكعبات و اخذ تفاضلها، نه تنها ناشناخته نبود بلکه پیش تر آن را تنی چند از دانشمندان فرنگ و سپس آقای دکتر آقایانی چاوشی معرفی کرده بودند و خطیب محترم دست کم به خود زحمت نداد تا حول و حوش این نسخه منحصر (البته به زعم او) که آن را از مجموعه ۵۵۲۱/۱، محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی، یافته بود تفحص و غور بیش تری نماید؛ آنگاه تردیدی نمی ماند که عنوان دیگری برای سخن خود انتخاب می نمود و یا اصلاً رنج سفر را بر خود هموار نمی کرد تا به هوای معرفی اثری ناشناخته (!) آنهم در اجلاسی بین المللی (!!!) شرکت کند و مطلبی دست سوم را تحویل حضار دهد. صرف نظر از اینکه حتی در قرائات نام های تخصصی و عربی مقاله خود نیز درمی ماند ...

ساعت ۱۱،۱۰: قرار بود مهندس محمد باقری مطلبی با عنوان «قاعده هندسی ابوالوفای بوزجانی در مورد چند ضلعی های منتظم»

قرائت کند. ولی وقت خود را به آقای رضاقلی سالورقاجار داد تا به بیان مطلبی در خصوص مجسطی ابوالوفا بپردازد! او نیز با ارائه برخی مطالب سطحی و پراکنده که کم تر کسی از آن چیزی درمی یافت، به بی عمق بودن محتوای اجلاس، بیش از پیش دامن زد. از عجایب گفتار او اینکه بدون استفاده از یادداشت، سخن راند! دیگر اینکه ابداع و بحث نجومی درباره موضوع خورشید - مرکزی را به بوزجانی نسبت داد و با این تصور که آن را در مجسطی ابوالوفا خوانده است! اصرار می ورزید تا برخی حاضران هم که کم و بیش از متن مجسطی این دانشمند مطلع بودند و به خوبی می دانستند که در آن چنین بحث نجومی صورت نگرفته است، بر تصور واهی وی صحه بگذارند. عجیب تر از همه، هنگامی بود که از او سؤال شد «در کجای مجسطی ابوالوفا، بحث نجومی خورشید - مرکزی مطرح است؟» و خطیب محترم با زیرکی پاسخ داد «اکنون به یاد ندارم (!)، زیرا بیش از ۲۰ سال پیش متن آن را خوانده ام (!!)».

برای بیان عظمت کار بوزجانی و امثال این عالم جلیل، نیازی به بزرگ‌نمایی‌های نامعقول نیست؛ زیرا تنها کتاب «هندسه عملی» همین دانشمند کافی است تا نامش را جاودان نگاه دارد ... آیا سخنران محترم چنین پنداشته بود که حاضران در مجلس با موضوع مورد بحث او بیگانه بوده‌اند؟ آیا وی شنوندگان را جاهل به مطلب تصور نموده که چنین لافی زده است؟

آیا این توهین آشکار به مستمعان نبود که آن فاضل محترم - که خود عضو کمیته علمی اجلاس بود - بدون توجه به حال و مقام شنوندگان، از ایراد سخن (به هر دلیلی) استنکاف کند و عنان سخن را در حالی که خود حضور داشت به دیگری واگذارد که اصلاً ورودی در موضوع مورد بحث نداشت

پس از پایان آخرین سخنرانی، حاضران به محل برگزاری نماز جمعه راهنمایی و پس از اقامه نماز به محل غذاخوری و استراحت هدایت شدند. از جمله برنامه‌هایی که در کنار برگزاری اجلاس تدارک دیده شده بود، ابتدا دیدار از مقبره شیخ ابوذر بُزْجانی (بوزجانی؛ متوفی ۳۸۷ هـ) بود که از زمره شیوخ متصوفه زمان به حساب می‌آمد و این بارگاه در ۲۵ کیلومتری تربت جام و در محلی که بوزجان نام داشت قرار گرفته بود. در کنار مزار این صوفی نامدار، مقبره همسروی دیده می‌شد که زیارتگاه اهل دل آنجا و مناطق دور و نزدیک بود.

بر مزار شیخ ابوذر بوزجانی این دو بیت به چشم می‌خورد:

تو بعلم ازل مرا دیدی دیدی آنکه بعیب بخریدی
تو بعلم آن و من بعلم همان رد مکن آنچه خود پسندیدی

پس از دیدار از مزار شیخ ابوذر (در حوالی ساعت ۱۷ تا ۱۷،۳۰) به تربت جام و به قصد زیارت بارگاه شیخ الاسلام احمد جامی (زنده پیل) بازگشتیم و نماز گزاردیم. از آنجا نیز به قصد زیارت حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام به مشهد مقدس مشرف شدیم.



شروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی